# فصل هشتم

## مساله اول

الظاهر وجوب ستر الشعر الموصول بالشعر، سواء كان من الرجل أو المرأة. و حرمة النظر إليه، و أمّا القرامل من غير الشعر و كذا الحليّ‌ ففي وجوب سترهما و حرمة النظر إليهما مع مستوريّة البشرة إشكال و إن كان أحوط

مرحوم سید در این مساله به بررسی سه مطلب می پردازد:

الف. حکم شعر موصل (مویی که زن به موی خود وصل می کند)

ب. حکم قرامل

ج. حکم حُلی

مرحوم سید در مورد اول فرموده اند اگر زن مویی را به موی خود وصل کرد باید آن را بپوشاند خواه این مو، از موی مرد باشد و خواه موی زن باشد. هم چنین بر اجنبی نیز نظر به موی وصل شده ی زن حرام است.

اما در حلی و قراملی که از غیر مو باشد وجوب ستر و حرمت نظر محل اشکال است هر چند احتیاط در وجوب ستر و حرمت نظر به آن است.

قرامل: چیزی که زن در موهای سرش قرار می دهد. برخی ترجمه کرده اند به گیسوبند ولی منظور از قرامل چیزی است که زن در موی خود قرار می دهد که ممکن است از کرک باشد یا ابریشم ولی به نحوی است که موهای زن را زیاد نشان می دهد. قرامل به کوهان شتر نیز معنا شده است وقتی زن قرامل را در مو قرار میدهد سبب برجسته و زیاد نشان دادن مو می شود ( شبیه کوهان شتر می شود ) .

### الف. بررسی حکم شعر موصل

#### اقوال

قول اول؛ عدم وجوب ستر و حرمت نظر در موارد سه گانه

عده ای فرموده اند در شعر موصول به موی زن نمی توان فتوا به وجوب ستر یا حرمت نظر داد بلکه حکم در اینجا مثل قرامل و حلی است و باید حکم احتیاطی داد.

آقای خویی در بعضی تعلیقه ها فرمودند ستر شعر موصوله لایبعد عدم وجوبه و احتیاط در ستر است (که احتياط استحبابی می شود) . در حلی و قرامل نیز فرموده اند لایبعد جواز ترکه.

قول دوم؛ وجوب ستر شعر موصل و حرمت نظر به آن

آقای خویی در تعلیقه ای دیگر فرموده اند:

لا يبعد عدم وجوبه إلا إذا كان محسوبا من الزينة و كذا الحال في القرامل و الحليّ‌ [[1]](#footnote-1)

شعر موصول در صورتی که زینت حساب شود وجوب ستر دارد. هم چنین نظر کردن مرد اجنبی به آن جایز نیست.

قول سوم؛ تفصیل در مساله

آقای حکیم در مستمسک قائل به تفصیل شده اند.

در جایی که شعر موصول از یک زن اجنبی اخذ شده باشد نظر به آن جایز نیست اما اگر مو از کسی گرفته شده باشد که قبل از ایصال بر ناظر نظر به آن حرام نیست (مثلا موی یک مرد باشد یا موی محارم ناظر) در این صورت نظر به آن جایز است. اما در هر دو صورت بر زن لازم نیست این مو را بپوشاند.

### بررسی ادله ی مربوط به شعر موصل:

#### دلیل اول؛ ادله لزوم ستر شعر و حرمت نظر به آن

در مورد شعر زن وارد شده است که وجوب ستر دارد و حرمت نظر. این دلیل اطلاق دارد. یعنی خواه موی اصلی باشد یا مویی که از دیگری گرفته و به موی خود وصل کرده است. زیرا بر شعر موصول صادق است که موی این زن است لذا دلیل حرمت و وجوب ستر شامل آن نیز می شود.

یکی از این ادله صحیحه بزنطی است:

عَبْدُ اللَّهِ‌ بْنُ‌ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ‌ الْإِسْنَادِ عَنْ‌ أَحْمَدَ بْنِ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ عِيسَى عَنْ‌ أَحْمَدَ بْنِ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ أَبِي نَصْرٍ عَنِ‌ اَلرِّضَا عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: سَأَلْتُهُ‌ عَنِ‌ الرَّجُلِ‌ يَحِلُّ‌ لَهُ‌ أَنْ‌ يَنْظُرَ إِلَى شَعْرِ أُخْتِ‌ امْرَأَتِهِ‌ فَقَالَ‌ لاَ إِلاَّ أَنْ‌ تَكُونَ‌ مِنَ‌ الْقَوَاعِدِ قُلْتُ‌ لَهُ‌ أُخْتُ‌ امْرَأَتِهِ‌ وَ الْغَرِيبَةُ‌ سَوَاءٌ‌ قَالَ‌ نَعَمْ‌ قُلْتُ‌ فَمَا لِي مِنَ‌ النَّظَرِ إِلَيْهِ‌ مِنْهَا فَقَالَ‌ شَعْرُهَا وَ ذِرَاعُهَا.(حر عاملی)[[2]](#footnote-2)

اشکال آقای خویی وحکیم:

عنوان مذکور در این روایات عنوان شعر است اما ادله ناظر به موی اصلی زن است نه شعر موصول. درست است که به موی غیر اصلی هم عنوان شعرِ زن صادق است اما اضافه در اینجا اضافه اختصاص است در حالیکه ادله ای که می گوید موی زن وجوب ستر دارد مراد از اضافه در آن اضافه ی حقیقیه است از باب اجزا بدن و توابع بدن.

لذا اگر به نحوی بشود که موی غیر اصلی واقعا به بدن وصل شود و رشد کند در اینجا نیز لزوم ستر دارد و حرمت نظر.

#### دلیل دوم؛ وجوب ستر زینت

شعری که به موی زن وصل شده است برای او زینت حساب می شود و بر زن واجب است که زینت موجود در بدن را از محرم بپوشاند و فقط زینتی که به صورت متعارف در وجه و کفین باشد استثنا شده است.

این وجه در عبارت کاشف الغطا آمده است.

و الزينة المتعلقة بما لا يجب ستره في النظر على الأصح و الصلاة من خضاب أو كحل أو حرمة أو سواد أو حلي أو شعر خارج وصل بشعرها و لو كان من شعر الرجال أو قرامل من صوف و نحوه و نحوها يجب ستره على الناظر دون الصلاة على الأقوى (کاشف‌‌‌الغطاء)[[3]](#footnote-3)

البته عبارت مرحوم کاشف الغطا اطلاق دارد و شامل موارد متعارفی که زینت در وجه و کفین استفاده می شود نیز می گردد. اما ممکن است کلام ایشان را به نحوی تقریب کنیم که شامل زینت متعارف در وجه و کفین نشود. به این نحو که بگوییم از ادله استفاده می شود که بر زن ابدا زینت جایز نیست. استثنای حرمت ابدا، ما ظهر است و ما ظهر نیز به حسب روایات تفسیر شده است به وجه و کفین و زینت های وجه و کفین. اما غیر از این مورد مشمول دلیل حرمت می شود. مثلا شعری که به موی زن وصل شده است. در وجه و کفین نیز مواردی از زینت که زائد بر موارد متعارف است باید پوشیده شود.

مرحوم محقق عراقی فرموده است چه در قرامل چه شعر موصول اگر عنوان زینت صدق کند به احتیاط واجب نظر به آن جایز نیست. آقای خویی نیز فتوا داده اند.

اشکال؛ آقای حکیم:

و ظاهره تحريم إبداء مطلق الزينة حتى الظاهرة و لكنه غير ظاهر. (حکیم)[[4]](#footnote-4)

ظاهرعبارت کاشف الغطا شامل مطلق زینت می شود حتی زینت ظاهره در حالی که در آیه شریفه «ماظهر» استثنا شده است. اقتضای استثنای ما ظهر، عدم وجوب ستر شعر موصول است زیرا شعر موصول نیز از مصادیق ماظهر است.

پاسخ:

زینت ظاهره از وجوب ستر و حرمت نظر استثنا شده است اما این زینت ظاهره به حسب روایات تحدید شده است به وجه و کفین و آن زینتی که در وجه و کفین به صورت متعارف استفاده می شود. لذا شعر موصول داخل در حکم استثنا نمی شود و دلیل حرمت ابدا شامل آن می شود.

1. یزدی محمد کاظم بن عبد العظیم. *العروة الوثقی (عدة من الفقهاء، جامعه مدرسين)*. ج 2، جماعة المدرسين في الحوزة العلمیة بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، 1421، ص 318. [↑](#footnote-ref-1)
2. حر عاملی محمد بن حسن. *تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة*. ج 20، مؤسسة آل البیت (علیهم السلام) لإحیاء التراث، 1416، ص 199. [↑](#footnote-ref-2)
3. کاشف‌‌‌الغطاء جعفر بن خضر. *کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء*. مهدوی، ص 198. [↑](#footnote-ref-3)
4. حکیم محسن. *مستمسک العروة الوثقی*. ج 5، دار التفسير، 1374، ص 249. [↑](#footnote-ref-4)